

اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام

سیدرحیم موسوی^۱
کریم دوستی^۲

چکیده

رویکرد توسعه مشارکتی سعی دارد خلأ عظیم مشارکت عمومی در فرایند توسعه محلی را پر کند؛ در واقع مشارکت افراد در توسعه به خودی خود یک هدف تلقی می‌شود. با توجه به اینکه استان ایلام به عنوان یکی از مناطق محروم کشور نیازمند مشارکت واقعی مردم در توسعه است، این مقاله با هدف شناخت و تحلیل اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام نگاشته شده است. روش تحقیق نیز کمی و نوع آن، توصیفی-تحلیلی است؛ جامعه آماری آن هم شامل جمعیت ۱۵ سال به بالای استان ایلام می‌باشد که ۴۳۹ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. اعتبار تحقیق، صوری و پایایی آن بر مبنای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (کل) برابر با ۰/۷۸۸ است. داده‌های تحقیق با استفاده از آماره‌های توصیفی (میانگین) و استنباطی (رگرسیون خطی) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج آمار توصیفی نشان داد که بیشترین میانگین را به ترتیب شاخص‌های اعتماد شخصی (۳/۰۶۳۸)، اعتماد کل (۲/۸۸۳۸)، اعتماد نهادی (۲/۸۵۱۷) و اعتماد تعمیم‌یافته (۲/۷۳۵۸) به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میانگین متعلق به شاخص رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام (۲/۲۶۰۹) بوده است. نتایج تحلیل رگرسیونی تحقیق نیز نشان داد که دو شاخص اعتماد شخصی و اعتماد نهادی به ترتیب با میزان بتای ۰/۲۴۵ و ۰/۱۹۲ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته، یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام داشته‌اند و رابطه آنها معنادار بوده است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، رویه‌ای شدن، مشارکت، توسعه منطقه‌ای، ایلام.

مقدمه و طرح مسئله

در رویکرد توسعه مشارکتی، توسعه هر کشوری بیش از هر چیز به مشارکت فعال و مؤثر کلیه افراد آن بستگی دارد تا جایی که «سالیما عمر» توسعه را صرفاً مشارکت مردم و از پایین به بالا می‌داند. وی به جای توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی را به کار می‌برد و مشارکت مردمی را از ضروریات آن بر می‌شمارد (توسلی، ۱۳۸۲: ۹۹)؛ همچنین «به عقیده بوکلند، مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه به شمار می‌آید که در غیاب آن، طرح و برنامه‌های توسعه با شکست روبه‌رو می‌شوند» (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۹ و ۴۰)؛ از این رو، گولت (۱۹۸۷: ۱۶۹) با تجزیه و تحلیل نوع شناختی انواع مشارکت و در پاسخ به این سؤال که آیا مشارکت لازمه توسعه است؟ نتیجه می‌گیرد که انواع مختلف توسعه، نیازمند شکل‌های مختلف مشارکت است. به نظر وی یک توسعه مردم‌محور که اولویت را به تأمین نیازهای اولیه انسانی، ایجاد شغل، اتکای به خویشان، فعال‌گرایی و تنوع فرهنگی اختصاص می‌دهد، نیازمند نوعی از مشارکت است که در آن، غیرنخبگان، نقش فعالی در تشخیص مشکلات خود ایفا می‌کنند؛ به علاوه، مشارکت، ویژگی ضروری هر نوعی از توسعه است و در جایی که توده مردم در مورد مشکلات و تشخیص آنها به ارائه نظر پردازند و فعالانه از ابتدا درگیر تصمیمات و عملیات توسعه شوند، شانس اینکه توسعه، بر نیازهای اساسی انسان، شرکت در کارآفرینی، ارائه فرصت‌های لازم جهت استقلال و انسجام محلی، بهبود الگوهای همبستگی و احترام به تفاوت‌ها و یکپارچگی فرهنگی، متمرکز شود بیشتر خواهد شد.

رهنما^۱ با توجه به نقش کلیدی مشارکت در توسعه انسان‌محور، چهار کارکرد را برای مشارکت برمی‌شمارد که عبارتند از: الف) کارکرد شناختی: از این منظر مشارکت، مولد گفتمان و عملیات مربوط به توسعه است ... تا جایی که مشارکت مردمی، معنا و نقش جدیدی از توسعه را ارائه می‌دهد که مبتنی بر صورت‌های متفاوتی از تعامل، کاوش و کنکاش مشترک برای نیل به شناخت مردمی و بومی جدیدی است؛ ب) کارکرد اجتماعی: به لحاظ اجتماعی، مشارکت به گفتمان توسعه، حیات جدیدی می‌بخشد و می‌تواند نهادها، گروه‌ها و افراد

1. rahnema



درگیر در فرایند و فعالیت‌های توسعه‌ای را در قالب بازه‌ای جدید صف‌آرایی کند و به آنها توانمندی لازم را جهت برآوردن نیازهای اصلی و ریشه‌کن کردن فقر اعطا نماید؛ ج) کارکرد سیاسی: از این منظر، مشارکت می‌تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت^۱ و خاموش^۲، منبعی برای مشروعیت‌بخشی به توسعه باشد و در حقیقت می‌تواند پل بین حاکمیت و جمعیت هدف به شمار رود؛ د) کارکرد ابزاری: از این لحاظ، رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان‌های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و با بهره‌گیری از فرایند توانمندسازی، آسیب‌پذیران را به مراقبت از خود فرا می‌خواند (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۲۱ و ۱۲۲، غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳ و ۱۴).

به نظر وندرسن^۳ و سولیون^۴ (۱۹۸۱) نیز مشارکت، پیامدهایی دارد که عبارتند از: افزایش رضایت از شرایط محیطی، گرایش مثبت نسبت به حاکمیت، افزایش احساس کنترل و نظارت، تقویت رفتار بین فردی مثبت، تقلیل بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی، خویش‌ن را صاحب نقش دانستن، ارتقای عزت نفس و ارتقا (کیلی و بریالینگر^۵، ۱۹۹۶: ۱۱۳، به نقل از غفاری، ۱۳۸۰: ۱۴). ژولیوس نیره از محققان توسعه مشارکتی نیز توسعه بر محور مشارکت را تنها راه حل مشکلات جهان سوم می‌داند. گرچه عمران محله‌ها قبل از هر چیز یک موضوع سیاسی و وظیفه دولت است؛ اما باید برای مردم و توسط خود آنها انجام شود. دولت‌ها نمی‌توانند برنامه‌های عمران روستاها را پیاده کنند، فقط می‌توانند این برنامه‌ها را تسهیل کنند و اجرای آن را امکان‌پذیر سازند (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۴). با این اوصاف، متغیر مشارکت اجتماعی یا به تعبیر این مقاله، رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه، تحت تأثیر عواملی است. چنانچه فرض پژوهش حاضر بر این است که یکی از این متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت، متغیر اعتماد اجتماعی است، مبنی بر اینکه در ادبیات جامعه‌شناختی، مفهوم اعتماد هم به عنوان ویژگی افراد و ارتباطات اجتماعی و هم ویژگی

1. powerless
2. voiceless
3. wanderson
4. Sullivan
5. Kelly and Breialinger

سیستم اجتماعی با تأکید بر رفتار مبتنی بر تمایلات و سوگیری‌های در سطح فردی مفهوم‌سازی شده است. اعتماد در اولین نگاه بر احساسات و ارزش‌های فردی تأکید دارد و به عنوان متغیری فردی و شخصیتی تلقی می‌شود؛ به علاوه در برداشت روانشناختی - اجتماعی، اعتماد، مفهومی خاص می‌یابد و در ارتباط بسیار نزدیکی با مفاهیمی چون: وفاداری، دگرخواهی، صداقت و دوستی قرار می‌گیرد؛ به عبارتی، در حالی که رهیافت روانشناختی - اجتماعی یک تئوری شخصیتی در مورد اعتماد را عنوان می‌کند و به زمینه اجتماعی توجهی ندارد، در رهیافت اجتماعی، اعتماد، بیشتر به عنوان یک ویژگی اجتماعی تلقی می‌گردد؛ بنابراین در جامعه نهادینه می‌شود. اعتماد در این مفهوم، منبعی اجتماعی به حساب می‌آید که برای دستیابی به اهداف سازمانی استفاده می‌شود. در سومین رهیافت نیز اعتماد به عنوان یک خبر جمعی با ارزش تلقی می‌گردد که به وسیله تمایلات اعضا در جامعه پیگیری می‌شود (میستال، ۱۳۸۰: ۱۳؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۵).

مقدمه بالا ما را به این مسئله و دغدغه پژوهش رهنمون می‌شود که هرچند استان ایلام دارای پتانسیل‌های خوبی در زمینه کشاورزی، دامپروری و گردشگری (طبیعی، تاریخی، مذهبی و قرار گرفتن در مسیر عتبات عالیات در کشور عراق) است و بر اساس مطالعات انجام شده، حدود ۱۱ درصد از ذخایر مستقل گاز کشور (۱۴ تریلیون فوت مکعب) و بیش از ۳/۱۵ درصد از ذخایر نفت خشکی ایران (۸۷/۱۱ میلیارد بشکه) را دارد (سالنامه آماری ایلام، ۱۳۹۱)؛ اما هم‌اکنون در ردیف توسعه نیافته‌ترین و محروم‌ترین مناطق کشور واقع شده است که رفع این نوع محرومیت و توسعه نیافتگی با وجود پتانسیل‌های خوب طبیعی و فیزیکی، همت جدی و همه‌جانبه نهادهای محلی استان و مردم را می‌طلبد؛ به عبارت دیگر، پس از ناکامی‌های رویکردهای بالا به پایین و دولت راهبر توسعه در استان ایلام، با توجه به مطالعه اکتشافی و مشاهده مشارکتی محققان، به‌ویژه «با طرح اندیشه‌های توسعه از پایین، درون‌زا و بومی که با مفاهیم خوداتکایی و مشارکت مردمی آمیختگی شدیدی دارند و بر استفاده از منابع طبیعی، انسانی و نهادی با هدف ارضای نیازهای اساسی افراد هر منطقه تأکید دارند» (تایلور و مکنزی، ۱۹۹۲: ۲۳۳، به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۸) هم‌اکنون باید رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه مناطق محروم که



مورد تأکید جدی نظریه‌پردازان رویکرد مشارکتی توسعه همچون سالیما عمر، عیدالله خان، برایان چین، میسرا، گائوتری، رهنما و... است، مورد توجه قرار گیرد؛ به عبارتی، این پژوهش می‌خواهد از منظر رویکردهای نوین توسعه، اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام را مورد تبیین قرار دهد؛ بنابراین مسئله و هدف اصلی این تحقیق، شناخت اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام است. بر این مبنا سؤالاتی که این تحقیق می‌خواهد به آنها پاسخ دهد عبارتند از: ۱. میزان اعتماد اجتماعی و رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام چقدر است؟ ۲. اعتماد اجتماعی چه تأثیری در رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام دارد؟

پیشینه تحقیق

یوسفوند (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی ارتباط خرده‌فرهنگ محلی با توسعه مشارکتی (مورد مطالعه: روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله)» به این نتیجه دست یافت که بین جهت‌گیری ارزشی (دینی)، اعتماد اجتماعی، تمایل به فعالیت جمعی و گروهی و توسعه مشارکتی، رابطه معنادار، مثبت و مستقیمی وجود دارد؛ همچنین در تحلیل رابطه بین خانواده‌گرایی و طایفه‌گرایی نشان داد که توسعه مشارکتی با مسئولیت‌پذیری، همدلی، درگیری ذهنی و مشارکت مدنی، رابطه مثبت و معناداری دارد و رابطه آن با عنصر انگیزه پیشرفت، معکوس و منفی است.

غفاری (۱۳۸۰) در رساله دکترای خود با عنوان «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهر کاشان)» به این نتیجه رسیده است که در سطح خرد تحلیل، متغیرهای خاص‌گرایی، تمایل به همکاری گروهی، خوداتکایی، طایفه‌گرایی، نوگرایی، میزان دارایی خانوار، تحصیلات، مجموعه سال‌های تحصیل در خانواده و نوع فعالیت شغلی و در سطح میانی، متغیرهای انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت از دولت و امکانات توسعه‌ای با میزان مشارکت اجتماعی - اقتصادی روستاییان، رابطه معناداری داشته‌اند. نتایج سطح کلان تحقیق نیز نشان داد

که نه تنها برای تحقق مشارکت سازمان یافته مؤثر که مستلزم تمرکززدایی و توانمندسازی روستاییان و نجات آنها از وابستگی به دولت است، بسترسازی لازم صورت نگرفته؛ بلکه زمینه‌های وابستگی به دولت، تمرکزگرایی و دیوان‌سالاری دولتی و نادیده گرفتن نیروهای درونی که مانع مشارکت اجتماعی-اقتصادی هستند تقویت شده است.

محسن نیازی (۱۳۸۱) در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرستان کاشان در سال ۱۳۸۰»، در سطح خرد، رابطه بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصی (تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، خاص‌گرایی، آینده‌گرایی، خوداتکایی و بیگانگی اجتماعی) و میزان مشارکت را سنجیده است که همه مؤلفه‌ها معنادار بوده‌اند و در سطح میانی، رابطه سه متغیر سرمایه اجتماعی، ساختار خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با مشارکت اجتماعی را مورد آزمون قرار داده که رابطه معناداری بین آنها وجود داشته است. فرض کلان پژوهش وی هم در قالب متغیرهای کلان تمرکزگرایی، اقتدار ساختار سیاسی، دیوان‌سالاری و نظام متمرکز اداری، با روش تاریخی بررسی شده و محقق به این نتیجه رسیده است که عوامل مذکور در طول تاریخ ایران، برای تحقق مشارکت اجتماعی، مانع مهمی بوده‌اند.

محمودیان (۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی» نشان داده است که بین میزان آگاهی، انگیزه وابستگی فرد به دولت، اعتماد متقابل، ارتباط میان افراد، جو دموکراتیک در کار گروهی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی فرد با مشارکت در طرح‌های عمرانی، رابطه معناداری دارد.

محسنی تبریزی (۱۳۷۸) در مقاله خود با عنوان «میزان مشارکت روستاییان و ارتباط آن با توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای شهرستان گرمسار» به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی، میل به کار گروهی، تعهد و التزام به کار، رضایت شغلی، احساس کارآیی نمودن، ارزش پاداش، احساس بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، فردگرایی، احساس مالکیت فردی، انگیزه اقتصادی، سن، سطح تحصیلات و استفاده از رسانه با مشارکت اجتماعی روستاییان، رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین نشان داده است که متغیرهای وضعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و

انگیزه اقتصادی، بالاترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی روستاییان دارند. عباس زاده (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)» به این نتیجه دست یافته است که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری دارند و از بین متغیرهای پژوهش، عوامل اجتماعی و گرایش، دارای بیشترین تأثیر و متغیرهای رفاه غیرمادی و تأمین نیازهای اولیه و فرهنگی، دارای کمترین تأثیر بر میزان مشارکت کل شهروندان در امور شهری است.

کاوتن و گودت (۲۰۰۸) در مقاله خود با عنوان «بازاندیشی مشارکت اجتماعی، مطالعه مهاجران در کانادا»؛ به بررسی علل مشارکت پایین در بین مهاجران در کانادا پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که اولاً انجام فعالیت داوطلبانه رسمی و مشارکت اجتماعی گسترده، سطح یکسانی از تغییرپذیری را در بین گروه‌ها (کانادایی‌ها و مهاجران) نشان نمی‌دهد؛ دوم اینکه تأثیر مثبت خانواده که معمولاً مشاهده می‌شود، در بین مهاجران رابطه نداشته است. حضور بچه‌ها نیز افزایش معناداری در تعهدشان را نشان نمی‌دهد؛ سوم اینکه جنسیت مؤلفه‌ای قوی بوده است؛ به طوری که زنان کانادایی شباهت بیشتری در مشارکت با هم داشته‌اند؛ در حالی که زنان مهاجر به هم شباهت نداشته‌اند. فاکتورهای دیگر (سن، تحصیلات، درآمد) نیز در هر دو گروه، رابطه داشته است.

هیپا و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت اجتماعی و تندرستی، با توجه به میزان سرمایه اجتماعی»، به مقایسه اقلیت سوئدی در استان استروبوکنیای فنلاند با اکثریت فنلاندی این استان پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مشارکت اجتماعی با میزان سلامت افراد، ارتباط معناداری دارد و سن افراد، میزان اعتماد و شبکه‌های ارتباطی افراد بر میزان مشارکت اجتماعی مؤثر است.

ردی و همکاران (۱۹۷۳) در مقاله‌ای با عنوان «چرا مردم در کارهای داوطلبانه مشارکت می‌کنند؟»، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در کارهای داوطلبانه را این گونه برمی‌شمارند: ۱. مرحله چرخه حیاتی: سن، تعداد فرزندان، سن فرزندان، وضعیت تأهل و ازدواج؛ ۲. پایگاه اجتماعی و اقتصادی: سطح درآمد، طبقه اجتماعی، وجهه شغلی، آموزش و مالکیت؛ ۳. عوامل اجتماعی - فیزیکی: جنس، قومیت، سلامت فیزیکی و توانایی‌های جسمی؛ ۴. نوع نگرش‌های

افراد: داشتن تعهد اجتماعی به مشارکت، نگرش مثبت به اجتماع محلی خود، عدم بیگانگی اجتماعی، داشتن نگرش مثبت نسبت به سوددهی فعالیت‌های مشارکتی گروه، داشتن روحیه همکاری و تعاون، داشتن نگرش مثبت به توسعه جوامع و اجتماعات خود، تشویق اقوام و خویشاوندان به مشارکت در گروه و حمایت‌های اجتماعی؛ ۵. صفات و خصوصیات شخصیتی و گنجایش‌های فردی: رضایت شغلی، اعتماد به نفس، تصور مثبت از خود، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نوع دوستی و ایثار و استقلال فردی.

مبانی نظری تحقیق

اعتماد اجتماعی: اعتماد عبارت است از انتظار برآورده شدن نیازهای شخصی و اینکه می‌شود روی دنیا یا منابع برآورده‌کننده خارجی حساب باز کرد (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۲۵). کلمن، اعتماد اجتماعی را قرار دادن منابع در اختیار کسانی می‌داند که از این منابع برای سود خود یا اعتمادکننده یا هر دو استفاده می‌کنند (بخشی، ۱۳۸۹: ۳۷). به اعتقاد زیمل نیز اعتماد نوعی ایمان و اعتقاد افراد به جامعه است (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۲۳) و به نظر گامبتا (۱۹۸۸: ۱۹) «اعتماد عبارت است از اعتقاد به اینکه دیگران به شیوه‌ای رفتار کنند که برای ما سودمند باشد یا دست کم زیان‌آور نباشد» (همان: ۲۳).

اعتماد بین شخصی: اعتماد بین شخصی، اتکای فرد به اطلاعاتی است که از شخص دیگر (طرف مقابل) به دست می‌آورد. این اطلاعات درباره وضعیت نامعین محیطی و پیامدهای عملی در شرایط مخاطره‌آمیز است که هر دو طرف در آن دخالت دارند (همان: ۲۴).

اعتماد تعمیم‌یافته: اوسلانر (۱۹۹۷) اعتماد تعمیم‌یافته را با ایده سرمایه اجتماعی که با ارزش‌های مشترک، منافع شخصی و شکل‌دهی به پایه‌های کنش جمعی پیوند دارد، تعریف می‌کند (ازکیا، ۱۳۷۴: ۲۸۰). چلبی (۱۳۸۵: ۴۳) نیز این نوع اعتماد را داشتن حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی می‌داند جدا از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای که این امر خود منجر به گسترش روابط برون‌گروهی می‌شود.



اعتماد نهادی: بیانگر میزان اعتماد نسبت به نهادها، تشکل‌ها و انجمن‌هاست؛ همچنین اعتماد به نهادهای گوناگونی چون: کلیسا، پارلمان، سیستم خدمات درمانی و پلیس را شامل می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶).

مشارکت اجتماعی: ایده‌ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد در خصوص اینکه جوامع چگونه باید سازماندهی شوند. منطق آن نیز مبتنی بر واکنش در برابر تمرکزگرایی، دیوان‌سالاری، انعطاف‌ناپذیری و در دسترس نبودن دولت است (موسوی، ۱۳۹۵: ۸۷). مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند؛ در واقع فرایندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به عنوان عضوی از جامعه، در صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی که به وی محول می‌شود و در قالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بروز می‌کند. این نوع مشارکت، برآیند توسعه و بهتر شدن زندگی و حیات اجتماعی است. در تعریف دیگر به مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و جمعی عاملان خصوصی در حوزه عمومی گفته می‌شود که از طریق کنش‌های متقابل مستقیم و غیرمستقیم شهروندان در مقیاس وسیع با فعالیت‌های محلی، نهادهای جامعه مدنی، دولت و ... به منظور نفوذ و تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری‌ها یا تعقیب اهداف عمومی تحقق می‌یابد. از طریق فرایند مشارکت اجتماعی است که جماعت یا گروه به هم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا در آورند و «افراد در تصمیم‌گیری در نهادها، برنامه‌ها و محیط پیرامونشان شرکت می‌کنند»؛ در واقع این فرایند سازمان‌یافته از سوی افراد جامعه به صورت داوطلبانه، آگاهانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهمیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد (موسوی، ۱۳۹۵: ۸۷).

سطوح مشارکت: آرنشتاین (۱۹۹۶: ۴۷، به نقل از سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۶) به طور کلی سه سطح از مشارکت را در نظر گرفته است که هر کدام از آنها خود به

چند سطح جزئی تر تقسیم می‌شود: ۱. عدم مشارکت؛ ۲. مشارکت غیرمستقیم؛ ۳. مشارکت مستقیم. او مبنای اصلی جهت تعیین سطح مشارکت در یک جامعه را میزان توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن جامعه می‌داند؛ چنانکه هرچه یک جامعه توسعه یافته‌تر باشد، شرایط مشارکت مردم، فراهم‌تر و احتمال آن بیشتر خواهد بود؛ لذا مشارکت در سطح بالاتر صورت خواهد گرفت. در این نردبان مشارکتی، پایین‌ترین پله را کنترل و بالاترین پله را کنترل‌کننده (ناظر) تشکیل می‌دهد. بر مبنای اندیشه آرنشتاین همه افرادی که در فرایند مشارکت درگیر می‌شوند، از درجه و میزان مشارکت یکسانی برخوردار نیستند؛ بلکه بر اساس پله و موقعیتی که در این فرایند کسب می‌کنند، جایگاه مشارکت آنها تعیین می‌شود. در مرحله شهروندی است که فرد از حق مشارکت به معنای واقعی آن برخوردار می‌گردد (اکبری، ۱۳۸۳: ۴۱). بنا بر نردبان مشارکتی آرنشتاین، منظور از رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه نیز در این تحقیق، بالاترین پله مشارکت یعنی جایگاه شهروندی و مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری‌های جامعه محلی است.

نظریه‌های تبیین‌کننده رابطه و تأثیر اعتماد اجتماعی و مشارکت مردم در توسعه لومان، باربر، ایزنشتاد، کلمن، هاردین، گیدنز، فوکویاما، سلیگمن و پاتنام از اندیشمندان، متفکران و صاحب‌نظرانی هستند که در دو دهه اخیر توجه ویژه‌ای به مبحث اعتماد اجتماعی داشته‌اند مبنی بر اینکه اعتماد به عنوان مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی، ساز و کاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیلگر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه است و موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می‌شود (غفاری، ۱۳۹۳: ۱۰). با این اوصاف در خصوص رابطه و تأثیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی مردم در توسعه، به برخی دیدگاه‌های نظری مختلف اشاره می‌شود.

جدول شماره (۱). چارچوب نظری تحقیق (چکیده دیدگاه‌های نظری)

نظریه پرداز	چکیده
فوکویاما	فوکویاما به برداشتی تعمیم‌یافته از اعتماد توجه دارد و آن را بر حسب انتظار حاصل‌شده در درون یک اجتماع هنجارمند تعریف می‌کند که مبتنی بر رفتار تعاونی و هنجارهای مشترک است. در یک جامعه مردم‌سالار، زمانی که مردم به هم اعتماد می‌کنند این اعتماد از قلمرو زندگی خانوادگی و گروهی فراتر می‌رود و به جامعه سرایت می‌کند و در نهایت مشارکت اجتماعی تقویت می‌شود (۱۹۹۵: ۳۸-۳۹).
پارسونز	اعتماد در رهیافت پارسونز، زمینه‌ای نگرشی دارد؛ به عبارت دیگر در این رهیافت، اعتماد، معادل با سازگاری تلقی می‌شود. یک نظام منسجم در حقیقت نظامی است که در آن، کنشگران در ایفای نقش‌های خود قابل اعتماد هستند و این امر به ثبات و نظم نظام کمک می‌کند. پارسونز کارکرد اصلی اعتماد را در مشروعیت قدرت سیاسی می‌داند ... افراد اعتمادشان را در کسانی که بر آنها حاکمند سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ مثلاً از طریق رأی دادن و مشارکت در انتخابات به توسعه سیاسی جامعه کمک می‌کنند (۱۹۶۹: ۱۴۲، به نقل از انعام، ۱۳۸۰: ۲۵).
زتومکا	زتومکا در تعیین جایگاه هستی‌شناختی اعتماد؛ به عبارتی مشخص کردن جایگاه اعتماد در قلمرو واقعیت، آن را به سه بعد تقسیم می‌کند: الف) اعتماد به عنوان یک ارتباط یعنی اگرچه اعتماد نوعی تعهد و انتظار یک‌جانبه است؛ ولی در نهایت در حوزه ارتباط قرار می‌گیرد؛ ب) اعتماد به عنوان یک ویژگی شخصی: در این رویکرد فرض بر این است که انگیزه اصلی فرد اعتمادکننده، تمایل اوست تا رابطه بین فرد اعتمادکننده و مورد اعتماد؛ ج) اعتماد به عنوان یک قاعده فرهنگی: از این دیدگاه، اعتماد نه تمایل محاسبه‌گرا و نه تمایل روانشناختی به حساب می‌آید؛ بلکه یک قاعده فرهنگی است که تحت عنوان «امر اجتماعی» مطرح شده است؛ به این معنا که اگر اصول و قواعد لازم برای اعتماد در بین افراد جامعه، مشترک، معین و خارج از افراد باشد، الزام‌هایی قوی بر کنش‌های ایجادکننده یا تحلیل‌برنده اعتماد وارد می‌سازند و ممکن است به صورت معناداری، ارزیابی‌های عقلانی را در جهت گرایش‌های ذاتی به سوی اعتماد تعدیل کنند. اصول و قواعد اعتماد به گونه‌ای هستند که افراد اعتمادکننده و مورد اعتماد می‌توانند با توسل به آنها به اعتماد دست یابند. همچنین الزام‌هایی هنجاری نسبت به اعتماد و قابل اعتماد و مورد اطمینان بودن، وجود دارد. در فرهنگ‌های دارای اعتماد، ممکن است برخی از اصول و قواعد، همگانی باشند و انتظاراتی را برای رسیدن به اعتماد در مورد انواع موضوعات ایجاد کنند. وقتی فرهنگ اعتماد به وجود می‌آید و در نظام هنجاری یک جامعه، به طور قوی ریشه می‌دواند، عامل قدرتمندی برای تأثیرگذاری در مورد اعتماد به حساب می‌آید و موجب تصمیم‌گیری توأم با اعتماد و برخورد متقابل توسط کنشگران در نقش‌های مختلف و در نهادهای اجتماعی و به طور کلی مشارکت اجتماعی می‌شود (۱۳۸۶: ۳۱).

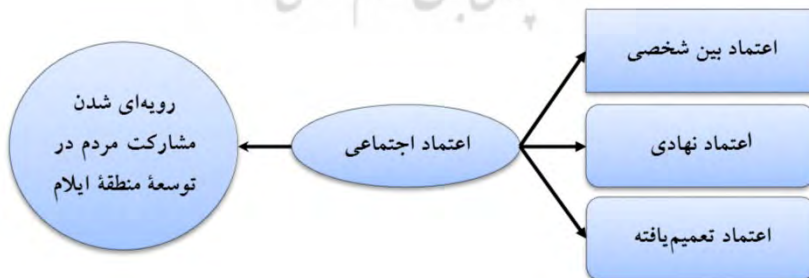
ادامه جدول شماره (۱). چارچوب نظری تحقیق (چکیده دیدگاه‌های نظری)

نظریه پرداز	چکیده
فریتز هایدر	طبق نظر فریتز هایدر، همکاری و مشارکت بین افراد، زمانی صورت می‌گیرد که بین آنها توازن شناختی وجود داشته باشد. به نظر وی انسان‌ها مایلند با افرادی ارتباط برقرار کنند و مشارکت داشته باشند که از لحاظ نگرش بین آنها توازن و همسانی وجود داشته باشد؛ به همین خاطر افراد با کسانی شریک می‌شوند که مثل آنها فکر کنند، نگرش مشابهی با آنها داشته باشند و به تبع آن مانند آنها رفتار کنند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۹).
پاتنام	پاتنام، اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع «هنجارهای تعامل متقابل» و «شبکه‌های مشارکت مدنی» می‌داند. اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز باعث ایجاد اعتماد می‌شود. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منبعی به شمار می‌آیند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است؛ همچنین وی اعتماد را منبع باارزشی از سرمایه می‌داند که اگر حکومتی آن را به میزان زیاد داشته باشد به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود. خلاصه اعتماد متقابل از استانداردهای متقابل عمومیت‌یافته و کارکرد شبکه‌های تعهد مدنی ناشی می‌شود. مردم زمانی با میل به همکاری و مشارکت می‌پردازند که اعتماد وجود داشته باشد. همکاری نیز در بازگشت اعتماد نقش دارد (۱۹۹۳: ۳۴).
گی‌روشه	به عقیده گی‌روشه در یک جامعه، هنجارهای رفتاری یا مدل‌ها به شدت با ارزش‌ها پیوستگی دارند و ژرفترین بخش تمایل هنجاری کنش چیزی است که می‌توان آن را تمایل به ارزش‌ها نامید. کنش اجتماعی به طور ضروری متضمن انتخاب از بین شیوه‌های متفاوت عمل از سوی عمل‌کنندگان اجتماعی و جماعات است. عمل‌کنندگان اجتماعی نیز باید بین مدل‌های مختلف یا متضاد به انتخاب دست یازند. ارتباطی که بین مدل‌های رفتاری و ارزش‌ها و کارکردهای اجتماعی آنها وجود دارد زمینه را برای پیدایش نهادها و تأثیرگذاری بر کنش اجتماعی فراهم می‌سازد؛ به سخن دیگر، مدل‌ها بیان نمادین ارزش‌ها هستند و تطابق و هم‌نواپی بیرون رفتار با مدل‌ها پیوستگی درونی فرد با نوعی نظم ارزشی را نشان می‌دهد. نمادها در زمینه کنش اجتماعی نیز دو کارکرد اساسی دارند و بر تمایل هنجاری کنش اثر عمیقی می‌گذارند؛ این دو عبارتند از: ۱. کارکرد ارتباطی؛ ۲. کارکرد مشارکت. نخستین کارکرد همان است که به وسیله نمادگرایی در انتقال پیام بین دو یا چند نفر به کار گرفته می‌شود مثل زبان. در دومین کارکرد نیز نمادگرایی به احساس تعلق به گروه یا جماعات کمک می‌کند یا آن را برمی‌انگیزد. نمادگرایی ارتباطات مشارکت را نیز یاری می‌رساند. نمادها در یادآوری و نگهداری احساس تعلق، ایجاد مشارکت مناسب بین اعضا بر حسب موقعیت و نقش هر یک از آنها و ایجاد نظم اجتماعی طبیعی و همبستگی لازمه آن، کمک بسیار می‌کند. روی هم رفته، در نظر فرد و دیگر عمل‌کنندگان، پیوستگی با ارزش‌ها، مشارکت با هر جمع یا هر جامعه‌ای را نمادی می‌کند. از این منظر تقویت نمادها، انسجام‌بخشی و ایجاد منطقی آنها در راستای تداوم ارزش‌ها و هنجارهای مشارکتی می‌تواند از مکانیزم‌های مؤثر در ایجاد اجتماعی آکنده از مشارکت فعال و کنش‌گرایانه باشد. به نظر گی‌روشه، اشکال مختلف نمادهای اجتماعی که کارکردهای ارتباطی و مشارکتی را محقق می‌سازند شامل چهار نماد همبستگی، سازماندهی سلسله مراتب اجتماعی، نمادهایی که حال را به گذشته پیوند می‌دهند و نمادهای مذهبی است؛ از این رو، اعتماد اجتماعی از نمادهای همبستگی در جامعه است که مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند (۱۳۷۶: ۱۱۱).

ادامه جدول شماره (۱). چارچوب نظری تحقیق (چکیده دیدگاه‌های نظری)

نظریه پرداز	چکیده
مولم و همکاران	مولم و همکاران می‌گویند: کنشگرانی که در مبادلات دوطرفه (نسبت به افرادی که در مبادلات مذاکره‌ای حضور دارند) شرکت می‌نمایند، بیشتر به طرف مقابل اعتماد می‌کنند و ارزیابی مثبت‌تر و احساس تعهد بیشتری نسبت به او دارند (۲۰۰۹: ۳).
کلی و برین لینگر	کلی و برین لینگر، مشارکت را با هر دو عامل درونی و بیرونی در ارتباط می‌بینند و علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، عوامل دیگری را نیز مؤثر می‌دانند. آنها از منظر روانشناسی اجتماعی، مشارکت را نوعی عمل جمعی به حساب می‌آورند و تبیین‌های مربوط به آن را در دو سطح فردی و فرافردی مورد توجه قرار می‌دهند؛ همچنین با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی بیان می‌کنند که موقعیت کنترل یک انتظار تعمیم‌یافته است که مربوط به اعتقاد افراد مبنی بر مؤثر بودن کنش‌هایشان برای نیل به اهداف مطلوب می‌باشد. آنها معتقدند که مشارکت در کنش جمعی باید با توجه به پیوند ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت کنترل، اثرگذاری سیاسی، جهت‌گیری فردگرایانه - جمع‌گرایانه و جایگاه اجتماعی افراد تبیین شود (کیلی، ۲۰۰۱: ۲۷۹).
جانسون	جانسون معتقد است که فرد برای ایجاد ارتباط باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد ایجاد کند تا ترس‌های خود و دیگری را کاهش دهد و امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقا بخشد. اعتماد یک خصیصه شخصی ثابت و بلا تغییر نیست؛ بلکه جنبه‌ای از روابط است که مدام در حال تغییر می‌باشد. هر آنچه افراد انجام دهند، سطح اعتماد را در روابط افزایش یا کاهش می‌دهد و در ایجاد و حفظ اعتماد در روابط دو جانبه، کنش‌های هر دو طرف اهمیت زیادی دارد. به عقیده جانسون، اعتماد برای رشد و گسترش روابط ضروری است و اولین بحرانی که به‌ویژه در بحث‌های مشارکتی و روابط اجتماعی با آن مواجه می‌شوند، مربوط به توانایی دو شخص در اعتماد کردن است (۱۹۹۳: ۶۶).

مدل مفهومی تحقیق



شکل شماره (۱). مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کمی؛ نوع تحقیق، توصیفی-تحلیلی؛ واحد تحلیل، استان ایلام (منطقه ایلام) و سطح مشاهده، افراد بالای ۱۵ سال ساکن استان ایلام است. جامعه آماری این پژوهش را ۴۳۲ هزار و ۵۲۸ نفر تشکیل می‌دهند که از میان آنان با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای به تعداد ۴۳۹ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چندمرحله‌ای است؛ با این توضیح که در ابتدا از میان شهرستان‌های ایلام، ایوان، مهران، ملکشاهی، شیروان چرداول، سیروان، بدره، دره‌شهر، آبدانان و دهلران، دو شهرستان ایلام در حوزه شمالی استان و دهلران در حوزه جنوبی که بیش از نیمی از جمعیت و وسعت استان را به خود اختصاص داده‌اند به صورت هدفمند انتخاب شدند؛ سپس، خوشه دوم از بخش‌های شهری تابع شهر ایلام (مناطق شهرداری ۱ و ۲) و شهر دهلران (منطقه ۱ و ۳) انتخاب شد. در مرحله سوم، خوشه‌ها در سطح خیابان‌های هر شهر، انتخاب گردیدند. در مرحله چهارم نیز محققان به درب منازل مسکونی (از میان بلوک‌های انتخابی) رجوع کردند و پرسشنامه‌ها به وسیله سرپرست خانوار یا یکی از اعضای مطلع خانواده تکمیل شد. تعدادی از پرسشنامه‌ها نیز در مناطق روستایی شهرستان‌های مذکور تکمیل گردید. اعتبار تحقیق، صوری با استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران و پایایی آن با توجه به آزمون آلفای کرونباخ (کل)، به میزان ۰/۷۸۸ است. در نهایت نیز داده‌های تحقیق با استفاده از آماره‌های توصیفی (میانگین) و استنباطی (رگرسیون خطی) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های تحقیق

۱. نتایج توصیفی

الف) اطلاعات جمعیت‌شناختی

از لحاظ جنسیت، ۷۲/۵ درصد از پاسخگویان را مردان و ۲۷/۳ درصد را زنان؛ از لحاظ وضعیت تأهل، ۵۲/۷ را افراد متأهل و ۴۷/۵ درصد را افراد مجرد؛ از لحاظ سن، ۴۱/۳ درصد را افراد ۲۵ تا ۳۵ سال، ۲۷/۷ درصد را افراد کمتر از ۲۵ سال، ۱۹/۸ درصد را افراد ۳۵ تا ۴۵ سال، ۸ درصد را افراد ۴۵ تا ۵۵ سال و ۲/۷ درصد را افراد بالای ۵۵ سال و از لحاظ وضع فعالیت ۱۵/۲ درصد را افراد



دارای مشاغل دولتی، ۳۵/۲ درصد را افراد دارای مشاغل آزاد، ۸/۲ درصد را زنان خانه‌دار، ۱۷/۳ درصد را دانشجویان، ۲ درصد را افراد بازنشسته و ۶/۱۸ درصد را افراد بیکار به خود اختصاص داده و ۳/۲ درصد نیز گزینه سایر را علامت زده‌اند. از لحاظ تحصیلات نیز ۴/۳ درصد از آنها بی‌سواد بوده و ۱۱/۶ درصد از آنها ابتدایی و سیکل، ۳۰/۲ درصد دیپلم، ۴۴/۳ درصد کاردانی و کارشناسی و ۹/۳ درصد ارشد و دکتری داشته‌اند.

ب) نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

جدول شماره (۲). نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر / شاخص	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
اعتماد شخصی	۴۳۹	۱/۰۰	۴/۸۳	۳/۰۶۳۸	۰/۶۳۶۳۸
اعتماد تعمیم یافته	۴۳۹	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۷۳۵۸	۰/۷۰۹۱۰
اعتماد نهادی	۴۳۹	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۸۵۱۷	۰/۶۴۸۳۵
اعتماد (کل)	۴۳۹	۱/۳۱	۴/۰۸	۲/۸۸۳۸	۰/۴۷۶۳۲
رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام	۴۳۹	۱/۸۳	۳/۶۴	۲/۲۶۰۹	۰/۵۲۴۷۷

نتایج آمار توصیفی در جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین میانگین را به ترتیب، شاخص‌های اعتماد شخصی (۳/۰۶۳۸)، اعتماد کل (۲/۸۸۳۸)، اعتماد نهادی (۲/۸۵۱۷) و اعتماد تعمیم یافته (۲/۷۳۵۸) به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میانگین متعلق به شاخص رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام (۲/۲۶۰۹) بوده است.

۲) یافته‌های استنباطی

الف) متغیرهای وارد شده در مدل و روش برازش رگرسیونی اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام

جدول شماره (۳). مدل و روش برازش رگرسیونی متغیرهای تحقیق

مدل	متغیرهای وارد شده در مدل	متغیرهای حذف شده	روش رگرسیونی
۱	اعتماد شخصی	اعتماد تعمیم‌یافته	Stepwise
۲	اعتماد شخصی اعتماد نهادی		

همانطور که در جدول بالا مشاهده شد، متغیر وارد شده در گام اول، اعتماد شخصی و در گام دوم، اعتماد شخصی و اعتماد نهادی است. متغیر اعتماد تعمیم‌یافته نیز از مدل حذف شده است.

ب) ضریب تعیین برازش رگرسیونی اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام

جدول شماره (۴). ضریب تعیین برازش رگرسیونی متغیرهای تحقیق

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۳۲۵a	۰/۱۰۶	۰/۱۰۴	۰/۴۹۶۸۶
۲	۰/۳۶۹b	۰/۱۳۶	۰/۱۳۲	۰/۴۸۸۸۷

همانطور که در جدول بالا مشاهده شد، تحلیل رگرسیون تا ۲ گام پیش رفته است؛ در گام اول، متغیر اعتماد شخصی وارد معادله شد که میزان ضریب همبستگی آن با متغیر وابسته، ۰/۳۲۵ درصد به دست آمد؛ در این مرحله، میزان ضریب تعیین، ۰/۱۰۶ و ضریب تعیین تعدیل شده، ۰/۱۰۴ درصد حاصل شد. در گام دوم نیز با وارد شدن دومین متغیر یعنی اعتماد نهادی به معادله، میزان ضریب همبستگی آن با متغیر وابسته، ۰/۳۶۹ به دست آمد؛ در این مرحله میزان ضریب تعیین، ۰/۱۳۶ درصد و میزان ضریب تعیین تعدیل شده، ۰/۱۳۲ درصد حاصل شد؛ بنابراین می‌توان گفت که بر اساس گام دوم، ضریب تعیین



تعدیل شده (۰/۱۳۲ درصد) تغییرات متغیر وابسته رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام به وسیله دو متغیر اعتماد شخصی و اعتماد نهاد تبیین می‌شود.

ج) تحلیل واریانس برآزش رگرسیونی اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام

جدول شماره (۵). تحلیل واریانس برآزش رگرسیونی متغیرهای تحقیق

سطح معناداری (۰/۰۵)	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل	
۰/۰۰۰۰a	۵۱/۵۹۲	۱۲/۷۳۷	۱	۱۲/۷۳۷	رگرسیون	۱
		۰/۲۴۷	۴۳۷	۱۰۷/۸۸۳	باقیمانده	
		-	۴۳۸	۱۲۰/۶۱۹	کل	
۰/۰۰۰۰a	۳۴/۳۵۳	۸/۲۱۰	۲	۱۶/۴۲۰	رگرسیون	۲
		۰/۲۳۹	۴۳۶	۱۰۴/۱۹۹	باقیمانده	
		-	۴۳۸	۱۲۰/۶۱۹	کل	

همانطور که در جدول بالا مشاهده شد، تحلیل واریانس برآزش رگرسیونی متغیر اعتماد اجتماعی مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره F در گام اول، ۵۱/۵۹۲ و در گام دوم، ۳۴/۳۵۳ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۵۰ نشان داده شده است؛ بنابراین می‌توان معناداری برآزش رگرسیون متغیر اعتماد اجتماعی را استنتاج و تأثیر آن بر متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام را تأیید کرد.

د) ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل نهایی رگرسیون اعتماد اجتماعی برای پیش‌بینی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام

جدول شماره (۶). ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل نهایی رگرسیون

سطح معناداری (۰/۰۵)	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۱۲/۳۳۶	-	۰/۱۷۷	۱/۱۴۰	(ثابت)
۰/۰۰۰	۷/۱۸۳	۰/۳۲۵	۰/۰۳۷	۰/۲۶۸	اعتماد شخصی
۰/۰۰۰	۹/۲۰۴	-	۰/۱۳۰	۱/۱۹۹	(ثابت)
۰/۰۰۰	۴/۹۹۷	۰/۲۴۵	۰/۰۴۰	۰/۲۰۲	اعتماد شخصی
۰/۰۰۰	۳/۹۲۶	۰/۱۹۲	۰/۰۴۰	۰/۱۵۶	اعتماد نهادی

همانطور که در جدول بالا مشاهده شد، در گام اول، سهم عامل اعتماد شخصی در پیش‌بینی متغیر وابسته، ۰/۳۲۵ درصد و در گام دوم، سهم متغیرهای اعتماد شخصی و اعتماد نهادی به ترتیب، ۰/۲۴۵ و ۰/۱۹۲ درصد به دست آمده است؛ بنابراین بر اساس گام دوم، ضریب بتای به دست آمده برای متغیر اعتماد شخصی به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر به اندازه ۰/۲۴۵ درصد در انحراف معیار متغیر وابسته؛ یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام تغییر ایجاد می‌کند؛ همچنین با توجه به ضریب بتای به دست آمده برای متغیر اعتماد نهادی، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر به اندازه ۰/۱۹۲ درصد در انحراف معیار متغیر وابسته، یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام تغییر ایجاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق بر رویکرد توسعه مشارکتی با تکیه بر اندیشه‌های توسعه از پایین، درون‌زا و بومی؛ به‌ویژه بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای و محلی ایلام تأکید دارد؛ به عبارتی دخالت خودخواسته عناصر محلی، یعنی مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در فرایند توسعه و تحرک بخشیدن به منافع منطقه‌ای با تکیه بر ظرفیت‌های محلی توسعه، مبنای نظری پژوهش حاضر

است و اینکه نه تنها مردم، نقش محوری در وضع، بسط و اجرای برنامه‌های توسعه و رهیافت‌های محرومیت‌زدایی یک منطقه دارند؛ بلکه خود مردم و ذی‌نفعان محلی، هدف نهایی توسعه هستند؛ به علاوه در رویکرد مشارکتی توسعه به مردم فرصتی داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهیم و شریک شوند. با توجه به موضوع پژوهش حاضر می‌توان گفت زمانی که عموم مردم استان ایلام احساس کنند و به این امر اعتماد داشته باشند که در برنامه‌ها و امور جامعه محلی خود دخیل هستند و در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و حل مسائل و مشکلات جامعه محلی خود نقشی را بر عهده دارند، انتظار می‌رود احساس تعهد و دلبستگی فراوانی نیز به حیات اجتماعی و امور جامعه و همکاری با نهادهای دولتی داشته باشند. با این اوصاف، پذیرش مسئولیت، انگیزش برای یاری دادن، تسهیل ارتباط از پایین به بالا، تقویت تعامل اجتماعی و شکوفاسازی استعدادها و خلاقیت‌ها، افزایش روح همبستگی اجتماعی و به طور کلی، رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام از فرایندی تبعیت می‌کنند که حداقل بخشی از آن تحت تأثیر متغیر مستقل مد نظر این پژوهش یعنی اعتماد اجتماعی است. بدین سان این مقاله با هدف شناخت و تحلیل «اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام» نگاشته شد و در راستای هدف اصلی تحقیق، دو پرسش مورد بررسی قرار گرفت: ۱. میزان اعتماد اجتماعی و رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام چقدر است؟ ۲. اعتماد اجتماعی چه تأثیری در رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام دارد؟

در پاسخ به سؤال نخست، نتایج آمار توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میانگین را به ترتیب، شاخص‌های اعتماد شخصی (۳/۰۶۳۸)، اعتماد کل (۲/۸۸۳۸)، اعتماد نهادی (۲/۸۵۱۷) و اعتماد تعمیم‌یافته (۲/۷۳۵۸) به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میانگین متعلق به شاخص رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام (۲/۲۶۰۹) بوده است.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، در گام نخست، نتایج ضرایب استاندارد مدل نهایی رگرسیون اعتماد اجتماعی برای پیش‌بینی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام نشان می‌دهد که سهم عامل اعتماد شخصی در پیش‌بینی متغیر وابسته، ۰/۳۲۵ درصد است. در گام دوم نیز سهم متغیرهای اعتماد شخصی

و اعتماد نهادی در پیش‌بینی متغیر وابسته به ترتیب، ۰/۲۴۵ و ۰/۱۹۲ درصد به دست آمده است؛ بنابراین بر اساس گام دوم، با توجه به ضریب بتای به دست آمده برای متغیر اعتماد شخصی، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر به اندازه ۰/۲۴۵ درصد در انحراف معیار متغیر وابسته، یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام تغییر ایجاد می‌شود؛ همچنین با توجه به ضریب بتای به دست آمده برای متغیر اعتماد نهادی، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر به اندازه ۰/۱۹۲ درصد در انحراف معیار متغیر وابسته، یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام تغییر ایجاد می‌شود. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات یوسفوند (۱۳۹۲)، غفاری (۱۳۸۰)، محمودیان (۱۳۸۰) و محسنی تبریزی (۱۳۷۸) مشابه است؛ به طوری که یوسفوند با مطالعه روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله به این نتیجه رسید که بین اعتماد اجتماعی، تمایل به فعالیت جمعی و گروهی و توسعه مشارکتی، رابطه معنادار مثبت و مستقیمی وجود دارد. تحقیق صالحی نیز نشان داد که تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی شهرستان خواف، معنادار و مثبت است. نتایج پژوهش غفاری نیز حاکی از وجود رابطه‌ای معنادار بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی - اقتصادی روستاییان روستاهای شهر کاشان بود. تحقیق نیازی نیز نشان داد که بین سرمایه اجتماعی که یکی از ابعاد آن، اعتماد اجتماعی است و مشارکت اجتماعی مردم شهرستان کاشان، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین عدم مشارکت روستاییان و احساس بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی از نتایج پژوهش محسنی تبریزی (۱۳۷۸) در شهرستان گرمسار بود. چایلد و همکاران هم در تحقیق خود با عنوان «اعتماد در استراتژی‌های مشارکتی» به این نتیجه رسیدند که اعتماد در ائتلاف‌های تجاری استراتژیک و مشارکتی یک قسمت اصلی از همکاری است.

طبق یافته‌های این تحقیق، در جامعه محلی ایلام که پتانسیل‌های خوبی در زمینه کشاورزی، دامپروری، گردشگری و ذخایر گاز و نفت دارد، زمانی الگوی توسعه مشارکتی می‌تواند به یک الگوی واقعی و پویا تبدیل شود که این منطقه، شاهد مشارکت تمام ذی‌نفعان محلی در توسعه و آبادانی باشد. هر چند بر اساس یافته‌های تحقیق، میزان اعتماد شخصی، بالاتر از حد متوسط و متغیرهای اعتماد کل، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته و رویه‌ای شدن مشارکت

مردم در توسعه منطقه ایلام، کمتر از حد متوسط قرار دارند؛ اما نتایج ضرایب استاندارد مدل نهایی رگرسیونی تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش دو شاخص اعتماد شخصی و اعتماد نهادی، بالا رفتن میزان رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام، قابل پیش‌بینی است. در کل می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اعتماد شخصی و اعتماد نهادی، دو مقوله پراهمیت هستند که تأثیر معناداری بر مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام دارند و در صورتی که مردم منطقه و نهادهای دولتی و غیردولتی نسبت به این موضوع حساسیت قابل توجهی از خود نشان دهند می‌توان به بهبود و تقویت مشارکت مردم در توسعه منطقه و در نتیجه، فقرزدایی و توسعه واقعی و پایدار در ایلام امیدوار شد؛ به عبارت دیگر، زمانی می‌توان انتظار داشت که در استان ایلام عموم مردم در زمینه مشارکت در توسعه منطقه، نقش‌آفرینان خوبی باشند که نه تنها عوامل تأثیرگذاری همچون: سرمایه نهادی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی تقویت شود؛ بلکه شاخص‌های اعتماد شخصی و اعتماد نهادی نیز تقویت گردند و به میزانی بالاتر از وضعیت فعلی برسند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، شاهد مشارکت سازمان‌یافته و واقعی مردم در تسهیل و عملی شدن فرایند پیشرفت و آبادانی با تکیه بر رویکرد توسعه مشارکتی خواهیم بود؛ به تعبیر دیگر، هنگامی احساس مسئولیت، توجه و همت مردم ساکن استان می‌تواند در توسعه مشارکتی ایلام مؤثر باشد که مدیران و تصمیم‌گیران نهادهای دولتی و غیردولتی استان، تلاش برای بالا بردن اعتماد نهادی سازمان‌ها و مؤسسات تحت امر خود را بخشی از رسالت و هدف راهبردی توسعه مشارکتی استان ایلام به شمار بیاورند. نتیجه کلی این پژوهش را می‌توان چنین بیان کرد: نقطه ثقل و کانون گفتمان توسعه مشارکتی ایلام، رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای و محلی است؛ بنابراین گسترش این گفتمان در نظر و عمل هنگامی میسر خواهد بود که نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. ایجاد یک بستر تعاملی با اعتماد بالا بین نهادهای دولتی و غیردولتی؛
۲. کاهش تضادها و چالش‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای پیش روی طرح‌های محرومیت‌زدایی در استان؛
۳. حفظ و توسعه شبکه روابط اجتماعی میان مردم با تکیه بر اعتمادسازی اجتماعی و بهبود عملکرد گروه‌ها، اقشار، صنف‌ها و ادارات محلی.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- اکبری، امین؛ (۱۳۸۳)، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی تهران.
- امیرکافی، مهدی؛ (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ازکیا، مصطفی؛ (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: اطلاعات.
- انعام، راحله؛ (۱۳۸۰)، بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاییان شهریار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- بخشی، قدیر؛ (۱۳۸۹)، تبیین جامعه‌شناختی اعتماد شهروندان تهرانی به پلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورافکاری، نصرالله؛ (۱۳۸۳)، «نزاع‌های جمعی محلی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- توسلی، غلام‌عباس؛ (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک، تهران: دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود؛ (۱۳۸۵)، نظم اجتماعی، تهران: نی.
- رهنما، مجید؛ (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه (مشارکت)، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: مرکز.
- ریشه، گی؛ (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: تیان.
- زتومکا، پیوتر؛ (۱۳۸۶) اعتماد نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
- سعیدی، محمدرضا؛ (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.
- عباس‌زاده، محمد؛ (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی،



دانشگاه اصفهان.

- عظیمی هاشمی، مژگان؛ (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و سوگیری عام‌گرایانه در تعاملات اجتماعی»، نمایه پژوهش، شماره ۱۸.

- عنبری، موسی؛ (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سمت.

- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی؛ (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نزدیک.

- -----؛ (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهر کاشان)، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران.

- -----؛ (۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: جامعه‌شناسان.

- فوکویاما، فرانسیس؛ (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.

- محسنی تبریزی، علیرضا؛ (۱۳۷۸)، «میزان مشارکت روستاییان و ارتباط آن با توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای شهرستان گرمسار»، مجله جهاد، شماره ۲۲۲.

- محمودیان، حسین؛ (۱۳۸۰)، بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- مرکز آمار ایران؛ (۱۳۹۱)، سالنامه آماری ایلام.

- موسوی، سیدرحیم؛ (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل مرتبط با توسعه مشارکتی از منظر ظرفیت‌های محلی توسعه، رساله دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

- میستال، باربارا؛ (۱۳۸۰)، اعتماد در جوامع مدرن، ترجمه ناصرالدین غراب، نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸.

- نیازی، محسن؛ (۱۳۸۱)، تبیین موانع مشارکت اجتماعی شهرستان کاشان در سال ۱۳۸۰، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

- یوسفوند، سامان؛ (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط خرده‌فرهنگ محلی با توسعه

مشارکتی (مورد مطالعه: روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

(ب) انگلیسی

- Couton, P., and Gaudet, S. (۲۰۰۸). Rethinking Social Participation: (Case of immigrants in Canada. *Migration & Integration*, ۲۱-۴۴.
- Hyypa, M. T., and etal (۲۰۰۸). Long-term stability of social participation. *Soc Indic Res*, VOL; ۳۸,
- Johnson, David (۱۹۹۳) "Reaching out: interpersonal effectiveness and self-actualization". Boston, Allyn and Bacon.
- Kelly, K. S. (۲۰۰۱). Stewardship: The fifth step in the public relations process, In R. L. Heath (Ed.), *Handbook of public relations* (pp. ۲۷۹-۲۸۹), Thousand Oaks, CA: Sage.
- MOLM, LINDA D, SCHAEFER, DAVID R, & COLLETT JESSICA L, Fragile and Resilient Trust: Risk and Uncertainty in Negotiated and Reciprocal Exchange, *Sociological Theory* ۲۷:۱ March ۲۰۰۹.
- Putnam, R (۱۹۹۳) the Prosperous community; social capital and public life, *The American prospect*, ۴, ۱۳۰.
- Reddy, Richard. Et Al. (۱۹۷۳). Why do people participation in voluntary action? *Journal of extension*. Vol. X. Winter.